

زنان و حقوق، مردان و اخلاق. به مناسبت روز جهانی زن



www.sedaazadi.se

زن برای رهایش صدها سال است در خشن ترین نظامهای حاکم مانند سرمایه داری و در خشن ترین فرهنگهای حاکم یعنی جو مرد سالاری، مبارزه کرده است. مبارزه ای که او را آب دیده تر و جسور تر بار آورده است. دفاع از حقوق زن نه تنها مساله ای سیاسی بلکه مساله ای اخلاقی و انسانی است. انسانی که در جامعه بشری به خاطر جنسیتش مورد تبعیض قرار می گیرد نشان دهنده سطح اخلاقیات مردان آن جامعه است. چه بسا نابرابری جنسی در جامعه تنها دلیلش مرد نیست بلکه نظامهای سیاسی حاکم بر جامعه نقش اساسی را در بست و ادامه این تبعیض، دارند. مثلاً نظام سرمایه داری به خاطر ماهیت اقتصادیش احتیاج به پایین نگه داشتن حقوق مادی و انسانی زنها در جوامع مختلفش را دارد. زن در جامعه اروپا در مرفه ترین جوامع آن به شیوه های مختلف مورد تبعیض قرار می گیرد. برای نمونه در کشورهای پیشرفته سرمایه داری اروپایی هنوز تقسیم کار و نقش زن و مرد در محیط خانه بر اساس سنت و آداب و رسوم پیش برده می شود. این شیوه در قسمتهای جنوبی اروپا مانند ایتالیا، اسپانیا خود را خشن تر نشان می دهد. در این کشورها بطور متوسط زنان 4 برابر مردان کار خانگی را بر عهده دارند و در مقایسه با کشور سوئد می توان گفت که مردان یک سوم کار خانه را بر عهده دارند. این یک سوم کار مرد را هم می توان به این شیوه تعریف کرد که مرد تنها کارهای تکنیکی خانه را انجام میدهد مثلاً اگر "در" یا میز احتیاج به تعمیر داشت، اگر چرخ ماشین احتیاج به عوض کردن داشت، اگر قسمتی از خانه احتیاج به تعمیر داشت، مرد وارد عمل می شود و در عوض کار غذا درست کردن، لباس شستن، اتو کردن، نگهداری از بچه و غیره بر عهده زنان است. و این در حالی صورت می گیرد که زن هم مانند مرد خارج از خانه کار می کند. بر طبق سنجش در اتحادیه اروپا گفته می شود که 80 درصد زنان در این کشورها روزانه غذا درست می کنند اما فقط یک سوم از مردها خود را به اجاق گاز به منظور درست کردن غذا، نزدیک می کنند. نمونه های زیاد دیگر هم در ارتباط با تبعیض زنان در محیط کار وجود دارد مثلاً با وجود اینکه زنان و مردان ساعت کار های مساوی دارند اما زنان به طور میانگین 15 درصد کمتر از مردان حقوق می گیرند.

زن در جوامع آمریکایی نیز به شیوه خشن تری مورد تبعیض قرار می گیرد و زن در جامعه ایران نیز به شیوه ای وحشیانه و غیر انسانی از دو دیدگاه مورد تبعیض جنسی، حقوقی، مادی و غیره قرار می گیرد. یکی نظام حاکم سرمایه داری بر این کشور و دیگری مذهب و فرهنگ ارتجاعی حاکم بر جو سیاسی ایران، زن را به مثابه ابزار نازل تولید و ملک مرد، مورد سو استفاده قرار می هد. جمهوری اسلامی تنها یورش و سرکوب خود را متوجه خواستهای

سیاسی مخالف خود نکرد بلکه ماشه های تفنگ، طنابهای اعدام و سنگهای سنگسار خود را متوجه خواستهای انسانی زنها یعنی آن نیمه دیگر پنهان جامعه ایران کرد. زنان ایران دوشا دوش با مبارزان آزادیخواه در انقلاب 57 به کارزار راهی شدند. خون ریختند، شکنجه دیدند و تحقیر شدن تا به آزادی برسند اما پس از مدتی کوتاه با سر کار آمدن حکومت استبداد، زنان بشدت سرکوب شده و به گوشه خانه هایشان برای خانه داری و بردگی راهی شدند. تنها این سقف خانه ها نبود که زنان را از دیده ها پنهان می ساخت بلکه لایه ننگین "حجاب" این موجود زیبا را به دنیای تاریک خود کشاند

تنها رنج بی عدالتی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیست که بر دوش خواهران، مادران، دختران و زنان جامعه ماست بلکه رنج جنس دوم بودن و از "ما" مردان کمتر بودن را از طریق اهرمهای ارتجاعی مانند مذهب، سنت، آداب و رسوم و قومیت، بر این نیمه جامعه تحمیل کرده اند. نظام جهل و خرافه، نظام استبداد سرمایه داری جمهوری اسلامی "آزادی زنان را به گروگان" گرفته است و زندگی زنان را به جهنمی واقعی تبدیل کرده است. دفاع از حقوق زنان، دفاع از بخشی از انسانیت است که در طول تاریخ مردسالار، از روی جنسیتش و نه شایستگی هایش قضاوت شده است. بخاطر "زن" بودنش حق یکسان نداشته است. در طول تاریخ ایران زنان در هر طبقه و قشری که قرار داشته اند حتی در طبقات بالای جامعه به چشم "جنس دوم" و تحقیر، به آنها نگریسته شده است.

حتی زنانی که از رفاه درباری برخوردار بودند از تبعیض و حشتناک رهایی نداشتند. "تاج السلطنه" دختر مورد علاقه ی پدرش ناصرالدین شاه که در حرم شاهی دنیا آمده و در همانجا بزرگ شده بود می نویسد:

"افسوس که زنهاى ایرانی از نوع انسان مجزا شده و جزو بهایم و وحوش هستند، و صبح تا شام، در یک محبس ناامیدانه زندگی می کنند و دچار یک فشارهای سخت و بدبختی های ناگواری عمر می گذرانند ... در روزنامه ها می خوانند که: زنهاى حقوق طلب، در اروپا چه قسم از خود دفاع کرده و حقوق خود را با چه جدیتی می طلبند ... من خیلی میل دارم یک مسافرتی در اروپا بکنم و این خانم های حقوق طلب را ببینم ، و به آنها بگویم: دروقتی که شما غرق در سعادت و شرافت، از حقوق خود دفاع می کنید و فاتحانه به مقصود موفق شده اید، یک نظری به قطعه ی آسیا افکنده و تفحص کنید در خانه هایی که دیوارهایش سه ذرع یا پنج ذرع ارتفاع دارد و تمام منفذ این خانه منحصر به یک درب است و آن درب توسط دربان محفوظ است. در زیر یک زنجیر اسارت و یک فشار غیر قابل محکومیت، اغلب سر و دست شکسته، بعضی ها رنگ های زرد پریده، برخی گرسنه و برهنه، قسمی در تمام شبانروز منتظر و گریه کننده و باز می گفتم: این ها هم زن هستند، اینها هم انسان هستند، اینها هم همه قابل همه نوع احترام و ستایش هستند. ببینید که زندگانی اینها چه قسم می گذرد."

در لای این این جملات، نغمه تبعیض و ستم را می شود خواند. نغمه ای که گویای حال زنان ایران است که چه بسا حکومت ایران این وضعیت را بر زنان جامعه ما بد تر کرده است ولی خوشبختانه سطح آگاهی و درک زنان ایران نسبت به تاریخ گذشته ایران قابل ستایش است. آگاهی که به آنان تشکل و مبارزه برای آزادی و برابری را آموخته است. آگاهی که به آنها یاد داده است که همراه و با اتحاد با هم سرنوشتان کارگر و طبقات محروم جامعه آزادی شان میسر است. آگاهی که به آنها یاد داده است که در اتحاد با مردان آزادیخواه به هدف خود می رسند. زمان به زنان یاد

داد که از هر فرصتی برای بیان درک خود از وضعیت خود استفاده کنند. سال 1322 سالی بود که برای اولین بار زنان توانستند خودی نشان دهند. در این سال نشریه ای به نام "بیداری ما" منتشر شد. نجمه علوی که از بنیان گذاران این نشریه بود خواسته های زنان را در آن زمان اینچنین بیان نمود:

- سعی کنید تخصصی بیاموزید تا استقلال اقتصادی پیدا کنید

- با خرافات مبارزه کنید.

- زن ها را در امور سیاسی و اقتصادی شرکت دهید.

- استقلال اقتصادی زن ضامن شئون اجتماعی او است.

- تنها بیداری ملت می تواند مملکت ما را نجات بدهد

- زنان ایران! آزادی ایران در دست شماست

- مادران ایران! بخواهید که در سرنوشت مملکت خود دخالت داشته باشید.

اگر به این نکات مهم که 64 سال پیش بیان گر خواسته های جزیی زنان بود، نگاهی بیاندازید و دوباره آن را بخوانید در می یابید که هنوز برای زنان تازگی دارد. شعارهای مانند مبارزه با خرافه، استقلال اقتصادی و بیرون آمدن از وابستگی به مرد، تا زن آزاد نشود ایران آزاد نیست و غیره. جنبش سوسیالیستی بیش از صد سال است که برای آزادی و آگاه گری زنان در جهان مبارزه کرده است. همزمان با سرایت مارکسیزم به عنوان ایدئولوژی رهایی انسان از استثمار انسان بر انسان، زنان مبارزات خود را با این ایدئولوژی بسته اند. آگاه گری و شروع مبارزات زنان برای رسیدن به آزادی و برابری از تأثیرات همین ایدئولوژی بود و تأثیر این را در زمان حکومت طاغوتی نیز در تاریخ ایران ثبت شده است. از جمله کارهای مثبت زنان آگاه در دهه 30 شمسی این بود که مدارس "آکابر" را برای سواد آموزی زنان باز کردند. چون این زنان آگاه بر این امر واقف بودند که سواد پایه آگاهی است و اولین قدم، آگاهی زن در مورد شناسایی حقوقش است.

یکی دیگر از تأثیرات مارکسیزم و سوسیالیزم این بود که برای "اولین بار" در خاور میانه سازمانی به نام "کومله" سازمان کردستانی حزب کمونیست ایران، زنان را برای رسیدن به اهداف خود یعنی آزادی و برابری مسلح کرد. زمانی که در ایران و کردستان ارتجاع، زن و جنسیتش را مورد تمسخر و تبعیض قرار میداد، این سازمان زن را به عنوان یکی از منابع مهم حل مشکل زن وارد میدان مبارزه عملی ساخت. چون این سازمان می دانست آزادی انسانها بدون آزادی و برابری زنان میسر نیست. این سیاست کومله بعدها در قسمتهای دیگر ایران و آسیا، از جمله کشورهای عراق، ترکیه و غیره کپی برداری شد و زن را وارد میدان مبارزاتی ساختند که نباید فراموش کرد که بعضی از این جریانها اهداف دیگری را در این رابطه تعقیب می کردند. مسلح کردن یا عضو گیری اخیر زنان در احزاب بورژوازی اپوزیسیون ایران به معنی اهمیت دادن به زنان برای احقاق حقوق آنها نیست بلکه در راستای محدود کردن در چهار چوب نظام فکری ارتجاعی و سرمایه داری آنها است. مثال برجسته همان کانونها و انجمنهای زنان در داخل ایران است که توسط جمهوری اسلامی اداره می شود و هدف اصلی این انجمنها محدود کردن و جلوگیری از مبارزات حق

خواهانه زنان است و بدین وسیله زنان را در "مداری دایره وار" هدایت می کنند تا از "گلیم خود پایشان را دراز تر نکنند" و همین کار را هم احزاب بورژوازی و مرتجع دیگر با زنان انجام می دهند.

امروزه می توان شاهد مبارزات زنان ایرانی بود در عرصه اینترنت و اعتراضات علنی در داخل ایران. امروزه به آسانی می توان سایتهای و وبلاگهای بسیاری در مورد زنان را یافت که برای آزادی زن فعالیت می کنند که از طریق خود زنها اداره می شوند و نوشته می شوند. این بزرگترین گامی است در عر نوین، در قلب حکومتی استبداد زده و عصر حجری. نقش و وجود فعال زنان در اینترنت و مبارزات علنی در داخل ایران مایه امید همه انسانهای رادیکال آزادیخواه است و نشان دهنده "زنده بودن" خواستهای رادیکال زنان است که با نشان دادن خود و خواست خود هر بار ترسی را به جان نحیف مرتجعان و مردسالاران چه در حکومت ایران و چه در میان اپوزسیون ایران، می اندازند. همه انسانهای آزادیخواه و برابر طلب وظیفه ای مهم را در ادبیات مبارزاتی خود باید داشته باشند و آن هم مبارزه برای آزادی و رهایی زنان از هر گونه سلطه فرهنگی، جنسی، اقتصادی و غیره است. بدون آزادی زن سوسیالیزم و کمونیزم امکان پذیر نیست و بدون سوسیالیزم و کمونیزم آزادی زن ممکن نیست. چون تنها در این نظامهاست که نابرابری ها به معنای "واقعی و عملی" برجسته خواهند شد. نظامی که انسان به معنای واقعی آن تعریف می شود و مساله تبعیض جنسی زن برای همیشه به زباله دان تاریخ ریخته می شود.

گیرم که شاخه های گل را شکستند، گیرم گلهایی را که دوست ندارند، زیر پایشان له کردند

با جوانه زدن ریشه گل چه خواهند کرد؟

زنده باد روز زن، زنده باد جنبش زنان آزادیخواه و مبارز

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن

منصور پرستار

mansour_parastar@hotmail.com

2008-03-01

پا ورقی

- خاطرات تاج السلطنه. ص. 143 و 144

- ما هم در این خانه حقی داریم. نجمه علوی. ص. 70 و 72